
راهبردهای نهج البلاغه در جهت ارتقای فرهنگ کار و اشتغال

فاطمه باباعلی *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

چکیده:

در این پژوهش موضوع کار و اشتغال، به عنوان یکی از موضوعات مهم و تاثیر گذار در حیات خانواده و جامعه، مورد توجه قرار گرفته است و از آن جا که در جامعه اسلامی، کار و کسب درآمد، مقوله‌ی جدا از اعتقاد، فرهنگ و باور آدمی نیست؛ لذا موضوع این مقاله « راهبردهای نهج البلاغه در جهت ارتقای فرهنگ کار و اشتغال » است. روش تحقیق تحلیلی - توصیفی است. در فرهنگ اسلامی کار و اشتغال مانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس شمرده شده است چرا که کار و تلاش بسترهای لازم برای تکامل و تعالی انسان را فراهم می‌کند. هدف ارتقای فرهنگ کار و اشتغال است و برای رسیدن به آن از منبع ارزشمند نهج البلاغه و روایات علوی بهره جسته‌ایم. در این مقاله راهبردهای نهج البلاغه و برنامه های اساسی بدست آمده از آن، در جهت ارتقای فرهنگ کار و اشتغال عبارتند از؛ داشتن ایمان و یقین بر کار تاثیر می‌گذارد و ارزش کار به درستکاری است؛ کار سبب جذب پاداش الهی و جلب رزق، روزی و ثروت می‌شود و فقر را دفع می‌کند؛ به کار گیری عقل، دانش و آگاهی در کار ضروری است همان طور که باید از سستی و تکدی گری پرهیز کرد؛ شغل باید بر اساس اختیار و علاقه انتخاب شود، تا منجر به شکوفایی استعداد و تولید و ابتکار شود. تقسیم کار و مسئولیت پذیری، در کنار تقسیم اوقات و نظم شرط موفقیت است؛ کار باید با ویژگی‌های افراد تناسب داشته باشد؛ پایداری و استقامت در کار شرط اساسی است.

کلید واژگان:

نهج البلاغه، کار، اشتغال، فرهنگ.

کار سرمایه و زمینه ساز تمدن و پیشرفت و مایه‌ی حیات جامعه است. در منابع اسلامی به مقوله‌ی کار و فعالیت اجتماعی بطور جدی توجه شده و این مهم در سیره‌ی علوی نیز قابل ردیابی است.

از آن جا که هدف اصلی از کار و اشتغال از منظر نهج البلاغه، رشد، تعالی و تکامل افراد است و این هدف آفرینش انسان است. تفاوت هدف‌ها، از مبانی اعتقادی نشات می‌گیرد و منجر به توصیه‌هایی می‌شود که ملموس‌تر و کاربردی‌تر جلوه می‌کند و در نتیجه رفتارهای متناسب در عرصه فعالیت‌های اجتماعی را به ارمغان می‌آورد و شامل کار و تلاش نیز می‌شود.

هر کس آزاد است و می‌تواند براساس علاقه و استعداد شغل انتخاب کند و برای به دست آوردن رزق و روزی حلال، کار و تلاش نماید و حق دارد برای بهتر کردن سطح زندگی خود آموزش ببیند چرا که دانش و آگاهی شرط اصلی موفقیت در کار و حرفه است.

حضرت علی علیه السلام در بحث ارزش و جایگاه کار و تلاش می‌فرمایند: «بامدادان برون شدن یکی از شما (برای جهاد) در راه خدا، ارجمندتر از بامدادان برون شدنش برای سامان بخشیدن به زندگی فرزندان و خانواده‌اش نیست.» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳)

لازم به ذکر است که تامین نیازهای معیشتی که از طریق کار و شغل افراد برطرف می‌شود، در اولویت دستورات دولت اسلامی است، بطوری که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «درکوفه همه زندگی مناسب دارند، صاحبان پایین‌ترین شغل‌ها هم نان گندم می‌خورند، خانه و سرپناه دارند و از آب گوارا (فرات) می‌نوشند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷)

کار و اشتغال موجب برکت و رحمت الهی و مایه‌ی حیات، آرامش و امنیت و سلامت روح و جسم آدمی است. حضرت علی علیه السلام در قول و فعل خود، کار و تلاش را با درایتی واقع بینانه بیان نموده و در مسیر احیا و آبادانی جامعه یک لحظه دست از کار و تلاش برنداشته و با کارهایی مثل حفر چاه و قنات، کشت درخت، آباد کردن باغ‌ها و... بطور عملی تاثیر گذار بوده است. حتی گاهی ایشان در باغ‌های مدینه برای بنی قریظه و بنی النضیر که یهودیان مدینه بودند، کار می‌کرد و مزد می‌گرفت و با آن پول زندگی می‌کرد. (مطهری، ۱۳۷۹ش، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲۴)



۲. پیشینه تحقیق

در این مقاله، ما به موضوع «راهبردهای نهج البلاغه در جهت ارتقای فرهنگ کار و اشتغال» پرداختیم؛ در مقالات دیگر موضوع فرهنگ کار از منظر نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته است اما این که راهبردهای حضرت علی علیه السلام در این حوزه چه بوده، بطور تخصصی و جامع مورد تحلیل قرار نگرفته است. در این پژوهش کار و اشتغال، در سیره‌ی علوی به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی مورد توجه قرار گرفته، تا جایگاه کار، آثار و پیامدهای آن بررسی شود و راهبردهای اساسی برای ارتقای فرهنگ کار بر مبنای آموزه‌های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، ارائه و به کار گرفته شود.

۳. مفهوم شناسی

تعریف کار

از نظر لغوی «کار» به معنای فعل، عمل و کردار است. راغب اصفهانی واژه «عمل» را این گونه تعریف می‌کند: «هر فعلی را که حیوان از روی قصد انجام دهد، "عمل" نامیده می‌شود. مفهوم عمل از فعل، خاصتر و محدودتر است؛ زیرا "فعل" گاه در مورد اشیای جامد نیز به کار می‌رود.» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م، مفردات) «عمل» به کاری اطلاق می‌گردد که از روی عقل و فکر انجام شود، لاجرم با آگاهی همراه است، اما «فعل» از آن عامتر است (عسکری، ۱۴۱۲ق، الفروع اللغات، ص ۳۸۳)

«کار» در لغت فارسی در معانی مختلف استعمال شده است: «به معنی شغل، عمل، پیشه، رفتار و کردار، آنچه در عالم خارج تحقق می‌یابد، ممارست، اشتغال، تمرین، حادثه، صنعت و هنر، رنج و زحمت، بنا و ساختمان، حاجت احتیاج، وسیله معیشت». تمام این معنی و مفاهیم در معنای کار استعمال شده است و این امر نشان‌دهنده گستردگی و غنای بالای این کلمه در فرهنگ فارسی می‌باشد. (معین، ۱۳۹۰ش، ج ۳، فرهنگ فارسی معین، ص ۲۷۸۹)

در سیره‌ی علوی در حکمت ۳۶۴ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام فرمودند: «لَا تَسْأَلُ عَمَّا لَا يَكُونُ، فَنِي الَّذِي قَدْ كَانَ لَكَ شُغْلٌ؛ مپرس از آنچه واقع نمی‌شود، که در آن چه هست، برای تو شغل و کاری است (که باید به آن پردازی).» همچنین با توجه به خطبه ۲۳۰ نهج البلاغه می‌توان کار را این چنین معنا کرد که: «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ، وَالتَّاهِبِ وَالِاسْتِعْدَادِ...؛ حال که چنین است (در انجام

اعمال نیک) کوشا باشید و برای سفر آخرت مهیا شوید، زاد و توشه را از این منزل که این نعمت در آن فراوان است بگیرید. «

از نظر علامه استاد محمد تقی جعفری کار عبارت است از؛ حرکت دارای تاثیر مفید که با هدف گیری آگاهانه به وجود می‌آید، اعم از اینکه آگاهی مزبور به طور مستقیم به انجام دهنده‌ی کار مستند باشد، یا تابع هدف گیری شخص دیگر این تعریف بر همه کارها قابل تطبیق است. مثلاً اگر کار را از دیدگاه اقتصادی در نظر بگیریم، خواهیم دید: کار حرکتی است آگاهانه و دارای تأثیر در مواد اولیه که آن‌ها را برای مفید بودن در معیشت آدمی دگرگون می‌سازد. (جعفری، ۱۳۶۲ ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۸۸ و ۸۹)

در قرآن کریم حدود چهارصد آیه در تشویق کار وارد شده است و کلمات متعدد بیانگر "کار" هستند؛ از جمله کلمه "عمل" که بیشتر از واژه‌های دیگر در قرآن آمده است و کلماتی مانند "کسب"، "سعی"، "جهد"، "فعل" و "شغل" نیز به معنای "کار" در قرآن آمده است. در نهج البلاغه بیش از ۳۰۰ جمله درباره عظمت و ضرورت کار با کلماتی مانند "عمل" و "فعل"، "سعی"، "شغل"، "کدح"، "سبق" مشاهده می‌کنیم. تکرار این کلمات در قرآن، نهج البلاغه و دیگر منابع اسلامی، نشان از اهمیت و ارزش کارکردن و تلاش در جهت کسب روزی حلال دارد. اسلام کار را موجب رشد و پیشرفت، سعادت دنیا و آخرت، عزت و شرف انسان‌ها و جان‌مایه حیات آدمی دانسته و یقیناً حیات هر جامعه مرهون کار، کوشش و تلاش است.

۴. راهبردهای نهج البلاغه در جهت ارتقای فرهنگ کار و اشتغال

حضرت علی علیه السلام با کلنگ زمین را می‌کند و آن را آبیاری می‌کند و بارهای هسته‌ی خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند و اگر یک دانه‌ای از آن بر زمین می‌افتاد، خم می‌شد و آن را بر می‌داشت و می‌فرمود: امروز هسته است و فردا خرما. (برقی قمی، جلوه‌ی حق در سیرت مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ص ۵۵)

در آثار بر جای مانده درس‌رزمین وحی (حجاز) و به خصوص مدینه منوره، یادبودهای کار و تلاش عملی و پایدار امیرالمؤمنان علیه السلام را می‌یابیم؛ (با وجود تمام دشمنی‌های آشکار حاکمان وقت) آثاری از بئر علی (چاه علی) عین علی (چشمه علی) و نخلستان‌های خرما. حضرت علی علیه السلام در طول

عمر خویش علاوه بر رسالت زمامداری و امامت به کارهای زراعت و باغبانی می پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و یتیمان و اقشار پایین جامعه می نمود.

در اسلام روی برخی مشاغل که در رشد و توسعه جامعه نقش ویژه ای ایفا می کنند تمرکز شده است؛ در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به جایگاه و اهمیت مشاغلی از قبیل تجارت، دامداری، صنعت، کشاورزی و ... اشاره شده است. از نظر اسلام، هر کار و عمل اقتصادی، باید مشروع بوده و طبق قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، برای مردم سودمند باشد و به کسی زیان نرساند. اسلام به همه انواع کار شرافتمندانه احترام می گذارد و هیچ کار لازم یا مفیدی را کوچک نمی شمارد. اگر در جامعه به خدمت یا مهارتی، اعم از پرستاری یا جمع آوری زباله، نیاز باشد، شماری از اعضای جامعه مکلفند که آن علم یا مهارت را کسب کنند. علاوه بر این، هر کاری که انجام می شود، باید به بهترین وجه و استوار انجام شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «خداوند دوست دارد هر کدام از شما دست به کاری می زند آن را خوب و استوار انجام دهد.»

با بررسی موضوع کار در میان خطبه ها، نامه ها و حکمت حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می توان برای ارتقای فرهنگ کار و اشتغال، راهبردها و برنامه های کاربردی زیر را بدست آورد و ارائه داد:

۴-۱. تاثیر ایمان و یقین بر کار و اشتغال

متقین و افراد با ایمان، کار و تلاش را رها نمی کنند و در جهت رضای الهی و خدمت به خلق از تنبلی و بیکاری بیزار هستند. حضرت علی علیه السلام نمونه ای والای انسانیت، در بحث ارتباط تقوا و ایمان با کار و تلاش بیاناتی دارند، از جمله این که می فرمایند: «... يَعْمَلُ الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَ هُوَ عَلِيٌّ وَ جَلِيٌّ يُمِيسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ، وَ يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذُّكْرُ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) از نشانه های متقین این است: ... در آن حال، که به کارهای شایسته می پردازد، دلش بیمناک است. سپاسگویان روز را به شب می آورد و ذکرگویان شب را به روز می رساند. « تعبیر به «بمسی ...» اشاره به این است که متقین در آغاز روز که تلاش و کوشش را شروع می کنند، با نام خدا آغاز می کنند و در پایان روز که از مواهب الهی بهره کافی گرفتند، به شکر خدا می پردازند. درست همچون نشستن بر سر سفره غذا که با نام خدا شروع می شود و با شکر پروردگار پایان می پذیرد.





ایمان و پرهیزکاری چنان در کار و فعالیت اجتماعی تاثیر گذار است که فقدان آن منجر به آثار سوء می‌شود و حتی انسان را دچار نفاق و شرمساری می‌کند. امام علی علیه السلام در نامه ۶۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «از هر کاری که در نهان انجام می‌شود و در آشکار از انجام آن شرم می‌شود، دوری کن.» حضرت در این توصیه به انسان به هماهنگی ظاهر و باطن امر می‌کند و از اعمالی که مخفیانه انجام می‌دهد که اگر آشکار شود خجل می‌شود، برحذر می‌دارد. عجیب است که انسان از مردم کوچکی و بازار خجالت بکشد، ولی از خدایی که «عالم الخفیه والاسرار» است شرم نداشته باشد و این نشانه ضعف ایمان است و عدم توجه به این حقیقت است که همه جای عالم محضر خداست. در توصیه دیگر انسان را از اعمال خلافی پرهیز می‌دهد که نشانه اش این است که اگر از او سؤال کنند که تو چنین عملی را انجام دادی اگر بتواند آن را انکار می‌کند و اگر نتواند به عذرخواهی می‌پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ ش، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام)

همچنین حضرت علی علیه السلام برای بیان تاثیر ایمان و اعتقاد بر کار و تلاش، بیاناتی دارند از جمله: «ایمان مرد باندازه عمل او است.»؛ «عمل، همسفر شخص برخوردار از یقین است.»؛ «عمل، شعار مؤمن است.»؛ «به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد.»؛ «مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی را برای نیایش و عبادت پروردگار و زمانی را برای تامین هزینه‌ی زندگی و زمانی را برای خود و لذت‌هایی که حلال و زیباست.» (آمدی، ۱۳۸۳ ش، غرر الحکم و درر الکلم، صفحات ۴۰۸، ۴۰۸، ۹۷۵، ۲۶)

۴-۲. ارزش کار به درستکاری

«قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۸۱) قیمت و ارزش هر کس به اندازه کاری است که می‌تواند آن را به خوبی انجام دهد» اشاره به این که ارزش و جایگاه انسان به کارهای صحیح و اصولی است که انجام می‌دهد و هر چه قدر این کارها در جامعه تاثیر بیشتر داشته و مفید تر باشد، شخصیت و اعتبار انسان نیز ارتقا می‌یابد.

امام علی علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: «اندازه هر کس به اندازه همت او است.» (منتخب میزان الحکمة، ۳۱۴)؛ «نیکوترین کارها آن است که موافق با حق باشد.» (عیون الحکم و المواعظ، جلد ۱، صفحه ۱۲۵)؛ «با نیکویی کردار است که میوه دانش چیده می‌شود نه با زیبایی گفتار.»؛ «شرافت و بزرگی نزد خداوند سبحان به نیکویی کردارهاست، نه به نیکویی گفتارها.»؛ «کار و پیشه با

پاکدامنی بهتر است از توانگری با گناه و نافرمانی.»؛ «عمل، کاملترین خَلَف (انسان) است.» (آمدی، ۱۳۸۳ ش، غرر الحکم و درر الکلم، صفحات ۳۸، ۱۰۹) تمام این روایات و سخنان حضرت علیه السلام حکایت از درستکاری و انجام صحیح و اصولی کارها دارد تا نتیجه بخش باشد و ارزش و قیمت پیدا کند.

۳-۴. کار سبب جذب پاداش الهی

در نامه ۵۹ نهج البلاغه، امام علیه السلام در عین کوتاهی سخن، مجموعه‌ای از اندرزهای مهم را برای فرمانده لشکر خود بیان می‌کند، از جمله این که در حق رعیت توصیه می‌کند: «... وَ الْإِحْتِسَابُ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِجُهِدِكَ فَإِنَّ الَّذِي يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنَ الَّذِي يَصِلُ بِكَ وَالسَّلَامُ؛ ... به اندازه توان در امور رعیت تلاش کن، آن چه در این راه از منافع عاید تو می‌شود از مشکلات و ناراحتی‌هایی که دامنگیر تو می‌گردد، بیشتر است. والسلام»؛ امام علی علیه السلام مکرراً در نهج البلاغه توصیه‌هایی به زمامداران می‌کند و این حکایت از تاثیر گذاری این افراد بر سرنوشت جامعه دارد. از جمله در این نامه بیان می‌کند؛ تا آن جا که می‌توانی حق رعیت را بپرداز و برای امور رعیت تلاش کن، چرا که رضای حق نصیب تو می‌شود که بسیار ارزشمند است، حتی اگر مشکلات و سختی‌هایی در این راه متحمل شوی، باز هم این پاداش الهی منفعت بیشتری دارد.

۴-۴. کار سبب جلب رزق و روزی

حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه، می‌فرماید: «بدان که روزی بر دو گونه است: يك نوع، روزی است که به جستجوی آن برمی‌خیزی (و باید برخیزی) و نوع دیگری آن که به سراغ تو خواهد آمد حتی اگر به دنبالش نروی خود به دنبال تو می‌آید». منظور امام علیه السلام از روزی‌هایی که انسان باید به دنبال آن برود کسب و کارهای روزانه است؛ مانند زراعت، صنعت، تجارت و امثال آن و منظور از روزی‌هایی که به دنبال انسان می‌آید، هرچند انسان به دنبال آن نرود اموری مانند ارث، هدایا و یا تجارت و درآمدهای غیر منتظره‌ای است که انسان به چنگ می‌آورد؛ بنابراین اگر روزی‌های قسم اول برای او تنگ شود نباید از لطف خدا مأیوس گردد و در عین تلاش و کوشش بیشتر انتظار روزی‌های ناخواسته را داشته باشد.





حضرت در جای دیگر نهج البلاغه می‌فرماید: « وَ قَدَّرَ الْأُزْرَاقَ فَكَثَّرَهَا وَ قَلَّلَهَا وَ قَسَمَهَا عَلَي الصَّبِقِ وَ السَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِيَتَّبِعِي مَنْ أَرَادَ بِمُسُورِهَا وَ مَعُورِهَا وَ لِيَخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَ الصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَاقِيَرِهَا ثُمَّ قَرَنَ بِسَعَتِهَا عَقَابِيْلَ فَاقْتَبَاهَا... » (نهج البلاغه، خطبه ۹۱) خدا روزی انسان‌ها را اندازه‌گیری و مقدر فرمود، گاهی کم و زمانی زیاد، و به تنگی و وسعت به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرد تا هر کس را که بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را مورد آزمایش قرار دهد. پس روزی گسترده را با فقر و بیچارگی در آمیخت... »

اینکه طبق آیات و روایات فراوان "خداوند روزی همه را تأمین می‌کند"، به معنای آن نیست که تلاش انسان برای کسب روزی و بهبود وضع زندگی بی‌معناست؛ چراکه با ملاحظه دیگر آیات و روایات می‌بینیم منظور از تضمین روزی، فراهم کردن زمینه‌های کسب روزی برای انسان است تا با تلاش خود بدان دست یابد و موارد استثنایی که خداوند علی‌رغم کوشش یا تنبلی اشخاص روزی‌های‌شان را کم یا زیاد می‌کند، به این خاطر است که مردم با فراموش کردن خدا، زیادی و کمی روزی خود را منحصر در کارهای خود نبینند. اگرچه در آیات قرآن گفته شده که خداوند روزی مردم را گسترده یا تنگ می‌کند؛ اما باید توجه داشت این مشیت الهی تابع حکمت است نه بی‌حساب و کتاب. یکی از این حکمت‌های مورد اشاره قرآن این است که هرچه کوشش و فداکاری شخص بیشتر باشد روزی اش نیز گسترده‌تر می‌گردد و هر کسی که تقوا پیشه کند کارهایش گشایش می‌یابد و روزی اش تأمین می‌گردد. البته خداوند برای این که مردم روزی را تنها نتیجه تلاش و کوشش خود ندانند گاهی بدون تلاش و کوشش به برخی افراد روزی می‌دهد، که این یک استثنا می‌باشد.

همچنین امام علی علیه السلام در طلب روزی، به موضوع میانه روی اشاره دارند و می‌فرمایند: « در به دست آوردن دنیا زیاده روی مکن و در کسب و کار میانه رو باش، زیرا بسیار شده که تلاش فراوان منجر به نابودی (اموال) گردیده، نه هر تلاشگری به روزی رسیده و نه هر شخص میانه رویی محروم گشته است، در طلب دنیا میانه رو باشید؛ چرا که به هرکس آنچه مقدر شده است داده می‌شود. » (نهج البلاغه، نامه ۳۱) این توصیه‌ی امام علیه السلام اشاره به این حقیقت دارد که هر کس در جهت کسب روزی به حد اعتدال کار و تلاش کند، زندگی بهتر و توأم با آرامش بیشتری دارد.

جناب شیخ رجبعلی خیاط از اوتاد زمان بود که تنها از دسترنج خویش ارتزاق می‌کرد. از جناب شیخ نقل شده که: « احسان و اطعام یک ولی خدا توسط پدرش موجب آن گردیده که خداوند متعال

او را از صلب این پدر خارج سازد.» ایشان در کار خود بسیار جدی بود و تا آخرین روزهای زندگی تلاش کرد تا از دسترنج خود زندگیش را اداره کند. با این که ارادتمندان وی با دل و جان حاضر بودند زندگی ساده او را اداره کنند، ولی او حاضر به چنین کاری نشد. (برگرفته از کتاب: محمدی ری شهری، ۱۳۹۵ش، کیمیای محبت.)

۴-۵. پرهیز از سستی و بیکاری و احتراز از تکدی

از نگاه امام علی علیه السلام افرادی که در عمل و کار کوتاهی و سستی کنند، پیامدهای سوئی برایشان است. آن حضرت فرمود: « وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِأَلْهَمٍ...؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۷) کسی که در عمل کوتاهی کند به اندوه دچار گردد و... » کسی که در عمل برای خدا کوتاهی می کند، بیشتر اوقات در عمل دنیا سرگرم است و بیشتر در پی دنیا و گردآوری مال دنیاست، در صورتی که هر چه از ثروت دنیا برخوردار باشد، اولاً به همان اندازه گرفتار غم و اندوه گردآوری دنیاست و ثانیاً در نگهداری و بیم از دست رفتن آن ها مضطرب است. عبارت مشهوری است: از دنیا هر چه می خواهی به دست آر و از غم و اندوه آن دو برابر نصیب ببر. پس امام علیه السلام انسان را از کوتاهی در اعمال چه بدنی و چه مالی برحذر داشته است. (بحرانی، ۱۴۱۷ق، شرح ابن میثم،) همچنین امام علی علیه السلام می فرمایند: «من مردی را که در کار دنیا سستی می کند، خوش نمی دارم؛ زیرا اگر در کار دنیا سستی کند، در کار آخرت، بیشتر سستی خواهد کرد.» (کلینی، ۱۳۶۵ش، الکافی، ج ۵، ص ۸۵، ح ۴)

همچنین در جای دیگر نهج البلاغه امام علی علیه السلام می فرماید: «عنه علیه السلام: مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ تَسْبُهُ (حَسْبُهُ)؛ (نهج البلاغه، حکمت ۲۳) کسی که عملش او را به جایی نرساند، افتخارات خاندانش او را به جایی نخواهد رسانید.» آن چه به حقیقت و واقعیت مقرون است اعمال خود انسان است و بسیار دیده ایم افرادی که از خانواده های پایین بودند به سبب جد و جهد و تلاش و کوشش به مقامات عالی رسیده اند در حالی که افراد دیگری با نسب های عالی بر اثر سستی و تنبلی خوار و بی مقدار شدند. از آن چه گفتیم روشن می شود که عمل در اینجا به معنای عبادت نیست بلکه هرگونه عمل مثبت معنوی و مادی را شامل می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ش، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام)





سستی، تبلی و بیکاری آفت کار و تلاش و موفقیت است و بصورت مستقیم بر تمام جوانب زندگی بشر تاثیر می‌گذارد به طوری که امام علی علیه السلام بیکاری را مایه‌ی تباهی می‌داند. (مراجعه شود به کتاب؛ مفید، ۱۴۱۳ق، الإرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۸) گسترش بیکاری و کم کاری به تدریج آسیب‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی دیگری را به همراه دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: افزایش فقر و تهیدستی (مراجعه شود به کتاب؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، الکافی، ج ۵، ص ۸۶، ج ۸) گسترش انحرافات نظیر اعتیاد، فساد، تبعیض، تکدی گری و جز این‌ها.

در شرح نهج البلاغه آمده است: «انسان سالم و بیکاری که نه مشغول کارهای دنیایی و نه مشغول کارهای آخرتی باشد، مورد خشم پروردگار است.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۴۶) در واقع طبق فرموده‌ی امام علی علیه السلام در حکمت ۲۳۹ نهج البلاغه: «مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيَّعَ الْحُقُوقَ ...؛ هر که در کارها سستی پیشه کند، حقوق خویش تباه کرده ...» و در جای دیگر آمده در رسیدن به آرزویش ناکام می‌ماند. (میزان الحکمه، ۱۳۸۴ش، ج ۱۱، ص ۵۱۸)

همچنین امام علی علیه السلام برای مبارزه با بیکاری و تبلی توصیه‌هایی دارد از جمله در حکمت ۱۵۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «... وَهَنْ يَفْضُرُ إِذَا عَمِلَ وَ يُبَالِغُ إِذَا سَأَلَ؛ مردی از امام علی علیه السلام درخواست اندرز کرد، حضرت فرمود: و از کسانی مباش که به هنگام عمل کوتاهی می‌کند و به هنگام درخواست و سؤال اصرار می‌ورزد.»؛ اشاره به افراد سست و تبلی است که مرد میدان عمل نیستند و همیشه دستشان به سوی این و آن دراز است و با تکدی زندگی را می‌گذرانند که نتیجه‌ای جزء حقارت و ذلت نخواهد داشت.

پس نتیجه می‌گیریم امام علی علیه السلام با بیکاری مخالف است و به احتراز از تکدی توصیه می‌کند و داشتن عزم و اراده و شغل را راهبرد اساسی آن می‌داند؛ امام سفارش می‌کند: «با عزم و اراده به جنگ سستی بروید.» (میزان الحکمه، ۱۳۸۴ش، ج ۱۱، ص ۵۱۸۴)

۴-۶. کار زمینه ساز جذب ثروت و دفع فقر

در مقابل فقر، ثروت مطلوبی است که از راه تولید، کار و تلاش به دست می‌آید، اما اگر ثروت نامطلوب شد، مورد مذمت قرار خواهد گرفت چون مایه طغیان است: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْتَنِي؛ راستی که انسان سرکش و مغرور می‌شود* چون که خود را در غنا و دارایی ببیند.» (سوره

علق، آیات ۶ و ۷) و در نهج البلاغه آمده است: «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ؛ مال، ماده اصلی همه شهوت هاست». (نهج البلاغه، حکمت ۵۸) البته اگر غنا سبب بی نیازی و آمادگی برای انجام کارهای خیر و اجرای عدالت و پیشرفت اهداف الهی گردد، بهترین وسیله است، همان طور که فقر، هرگاه به معنای ساده زیستن، بی اعتنایی به دنیا و ترك وابستگی ها و قناعت به کفاف و عفاف باشد، بهترین افتخار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ ش، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام)

کار و تلاش در کسب رزق و روزی حلال از مهمترین عبادت ها، مایه‌ی بقا و رشد عقل و خردمندی، مایه‌ی عزت و آبرو و نشاط و شادابی است. همچنین کار و تلاش، سبب جذب ثروت و دفع فقر خواهد شد و یکی از مهمترین اهداف سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی امام علی علیه السلام است؛ امام علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَاسْعَ فِي كَدْحِكَ وَلَا تَكُنْ حَازِنًا لِعَيْرِكَ؛ پس سخت بکوش و گنجور دیگران مشو» و در جای دیگر می‌فرماید: «به تجارت پردازید، که آن شما را از آن چه در دست مردم است بی نیاز می‌گرداند و خداوند عزّ و جلّ بنده پیشه‌ور درستکار را دوست دارد.» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹) و این برنامه‌ها و راهبردهای حضرت علی علیه السلام، کاربردی بوده و سبب ارتقای فرهنگ کار و اشتغال می‌شود.

۴-۷. به کار گیری عقل در کار

در صورتی که انسان تلاش و کوشش کند و از فکر و درایت خود استفاده نماید و در جامعه عدالت اجتماعی باشد همه مردم به آن روزی که خداوند برایشان مقدر کرده، می‌رسند، پس یکی از ضروریات کار و اشتغال، بحث عقل و درایت انسان است که پیوسته انسان به آن نیاز دارد و بدون آن کار و تلاش نتیجه بخش نخواهد بود، مانند توصیفی که حضرت علی علیه السلام در حکمت ۱۹۹ نهج البلاغه، در بیان صفت اوباش، فرومایگان و توده‌های بی بندوبار دارد؛ این افراد به دلیل تهی بودن از فکر و اندیشه، کارها و عملکردی دارند که سبب فساد می‌شوند؛ امام علیه السلام در این حکمت فرمود: «آن‌ها کسانی هستند که هرگاه متحد شوند زیان می‌رسانند و هر زمان متفرق گردند سود به بار می‌آورند. کسی سؤال کرد: زیان آن‌ها را به هنگام متحد شدن دانستیم، منفعت آن‌ها به هنگام پراکنده شدن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: پیشه‌وران و اهل کسب (از آن‌ها) به کارهای خود بازمی‌گردند و مردم از کار آن‌ها بهره‌مند می‌شوند؛ بتّاً به سراغ بتّایی می‌رود و بافنده مشغول بافندگی می‌شود و نانوا به پخت نان می‌



پردازد. « در واقع این‌ها افرادی فرومایه هستند که عقل و درایت قابل توجهی ندارند و غالباً تحت تأثیر عوامل عاطفی قرار می‌گیرند که به آسانی ممکن است بتوان آن‌ها را تحریک کرد و برای مقاصد سوئی به کار گرفت؛ کسانی که مدیران فاسد و مفسد جامعه همیشه از آن‌ها بهره می‌برند. اگر انسان غافل باشد همتش در راهی صرف می‌شود که نتیجه بخش نیست.

همچنین امام علی علیه السلام، در جای دیگر بیان می‌کند: « هر گاه نظر و تامل کردی، عمل کن. »؛ « خردمند به عمل خود تکیه می‌کند و نادان به آرزوهایش. » (آمدی، ۱۳۸۳ ش، غررالحکم، ج ۱، ص ۲۸۲) یعنی انسان عاقل عمل می‌کند و با کار و تلاش برای رسیدن به اهدافش قدم بر می‌دارد اما انسان نادان به جای کار و تلاش، خیال بافی کرده و با آرزوهایش زندگی می‌کند، بدون این که در جهت رسیدن به آن‌ها، جهدی داشته باشد.

۴-۸. دانش و آگاهی لازمی کار و اشتغال

یکی از ملاک‌ها و معیارهای امام علی علیه السلام پیرامون کار و انتخاب شغل آگاهی داشتن و شناخت لازم به کار است؛ « فَالْتَأْطِرُ بِالْقَلْبِ الْعَامِلُ بِالْبَصْرِ يَكُونُ مُبْتَدَأُ عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ أَعْمَلُهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضَى فِيهِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقَفَ عَنْهُ؛ فَإِنَّ الْعَامِلَ بغيرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ، فَلَا تَرِيدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بَعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ، وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ؛ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرًا سَائِرٌ هُوَ أَمْ رَاجِعٌ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴) آن کس که با چشم دل می‌بیند و با بینایی عمل می‌کند باید در آغاز هر کار بیندیشد که آیا آن عمل به سود اوست یا به زیان او؛ اگر به سود اوست ادامه دهد و اگر به زیانش می‌باشد از عمل باز ایستد؛ زیرا آن کس که بدون آگاهی به انجام دادن کار می‌پردازد همچون کسی است که از بیراهه می‌رود و چنین کسی هر قدر جلوتر می‌رود از منزل مقصود فاصله بیشتری می‌گیرد ولی آن کس که از روی آگاهی عمل می‌کند همچون رهروی است که در جاده روشن گام بر می‌دارد (و به زودی به مقصد می‌رسد). حال که چنین است هر شخص باید بنگرد آیا (به سوی مقصد) پیش می‌رود یا به عقب باز می‌گردد؟! « در هر کاری که قصد انجام دادن و یا ترك آن را دارد، نخست احوال درونی خود را بررسی کند و دریابد که این تصمیم یا عمل، او را به خداوند نزدیک می‌گرداند، و برای خشنودی او انجام می‌گردد، که در این صورت سزاوار است نسبت به آن اقدام کند، لیکن چنانچه او را از خداوند دور ساخته، مستلزم ناخشنودی و خشم اوست و برای رضای غیر او انجام می‌شود، باید دست از آن باز دارد. (بحرانی، ۱۴۱۷ق، شرح ابن میثم، ترجمه محمدی مقدم)



همچنین امام علیه السلام در تاکید داشتن علم در هنگام عمل می فرماید: « عمل اندکی که با علم بسیار همراه باشد، بهتر است از عمل بسیاری که با علم اندک و شک و شبهه همراه باشد. » (مفید، ۱۴۱۳ق، الاختصاص، ص ۲۴۵) و در جای دیگر تاکید می کنند: « علم، راهنمایت می کند و عمل تو را به هدف می رساند. » (آمدی، ۱۳۸۳ش، غرر الحکم)

اگر به توصیه یاد شده که در کلام امام و سائر معصومین علیهم السلام آمده است عمل می شد، آگاهان را برای مدیریت ها بر می گزیدند و هر کاری را به اهلش می سپردند. آن ها نیز مرتکب خیانت نمی شدند؛ دنیا چهره دیگری داشت. ولی افسوس چون کارها به دست اهلش نیست، تلاش ها نتیجه معکوس می دهد و مردم جهان را از مقصد اصلی، یعنی آرامش و بی نیازی و سعادت دور می سازد و نعمت های عظیم خداداد در مسیرهای غلط تباه و نابود می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ش، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۶، ص ۹۸)

۹-۴. انتخاب شغل بر اساس اختیار و علاقه

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از کار فاقد اختیار و رضایت نهی می کرد و به مسئولان و زمامداران توصیه می کرد، در امور و فعالیت ها مردم را مجبور نسازند؛ یکبار مردم یکی از ایالات به نزد وی آمده، گفتند: در سرزمین آن ها نهری بوده که گذشت روزگار مجرای آن را خراب کرده و اگر از نو حفر و ترمیم گردد، برای آنها درآمد و سود زیادی خواهد داشت. آنان از علی علیه السلام خواستند که به فرماندار خود در آن سرزمین دستور دهد که مردم آنجا را برای کمک در ترمیم و نوسازی نهر تخریب شده مجبور سازد. ایشان حفر مجدد نهر را پذیرفتند؛ ولی با مجبور ساختن مردم برای چنین امری مخالفت کردند. امام علی علیه السلام به عامل خود به نام قرظة بن کعب چنین نوشت: «... از من خواستند که به تو بنویسم که آنان را به کار وادار کنی و مردم را برای حفر نهر گردآوری ... به نظر من کسی را نباید به کاری که نمی خواهد مجبور ساخت. آنان را به نزد خود بخوان، اگر نهر آن چنان باشد که تعریف کرده اند، هرکسی که بخواهد کار کند، او را به کار بخوان و نهر باید از آن کسانی باشد که کار کرده اند؛ نه کسانی که در آن شرکت نجسته اند ... » (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳)

در حکمت ۷۸ نهج البلاغه امام علیه السلام می فرماید: « وَ يُحَاكَ، لَعَلَّكَ ظَنَنْتَ قَضَاءً لَازِمًا وَ قَدْرًا حَاتِمًا! لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ وَ سَقَطَ الْوَعْدُ وَ الْوَعِيدُ. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ عِبَادَهُ



تَخْيِيرًا وَنَهَاهُمْ تَحْذِيرًا، وَكَلَّفَ يَسِيرًا وَ لَمْ يُكَلِّفْ عَسِيرًا، وَ أَعْطَى عَلَى التَّقْلِيلِ كَثِيرًا، وَ لَمْ يُعْصِ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يُطْعِ مُكْرِهًا، وَ لَمْ يُرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ لِعِبَاءٍ وَ لَمْ يُنْزِلِ الْكُتُبَ لِلْعِبَادِ عِبْتًا، وَ لَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا؛ "ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ؛ هنگامی که کسی از او پرسید آیا رفتن ما به شام، قضا و قدر خداوند است، پاسخی دراز فرمود که گزیده اش چنین است: وای بر تو، گویا به قضای لازم و قدر حتمی گمان می بری! اگر چنین باشد دیگر ثواب و عقاب باطل شود و وعد و وعید ساقط گردد. خداوند بندگانش را امر کرده با اختیار و نهی کرده تا بترسند. آنان را به آسان مکلف ساخته و به دشوار مکلف نساخته. در برابر عمل اندک، پاداش‌های بسیار داده است. نباید مغلوبش پندارند و نافرمانیش کنند و نباید از روی اکراه اطاعتش نمایند. او پیامبران را به بازیچه نفرستاد و، به عبث، کتاب‌های آسمانی را نازل نمود و آسمان و زمین را و آنچه میان آن‌هاست به باطل نیافریده. (این گمان کسانی است که کافر شده‌اند و وای بر کسانی که کافر شده‌اند از آتش.)»

کار باید براساس علاقه، استعداد و توانایی افراد، به صورت آزادانه انتخاب و انجام شود تا شخصیت، شرف و عزت آدمی حفظ شده و منجر به شکوفایی فکر و اندیشه و ابتکار و خلاقیت شود. اگر کار براساس اختیار و آزادی و در چارچوب قانون‌های اجتماعی و اسلامی انجام گیرد، منجر می‌شود به رشد و تعالی فرد و جامعه، که همان هدف اصلی کار و اشتغال است. از سویی اگر کار بر اساس اختیار انجام شود، پاداش یا تنبیه هم معنی پیدا می‌کند.

۴-۱۰. تناسب کار با ویژگی‌های افراد

زنان و مردان متناسب با استعدادهای ذاتی کار و شغل انتخاب می‌کنند و بر اساس ویژگی‌های متفاوت و توانمندی‌های متعدد در جامعه به فعالیت می‌پردازند، پس یکی از وجوه تقسیم کار در جوامع تفکیک کار بین زنان و مردان است. حضرت علی علیه السلام در زمینه‌ی تقسیم کار به این مهم توجه نموده؛ امور خانه را به عهده‌ی زن و کارهای خارج از منزل را به عهده‌ی مرد می‌داند؛ در حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، شوهرداری نیکو است.»

هم چنین امام علی علیه السلام معتقد است که باید کارهایی به زنان واگذار شود که با روحیه و جسم آن‌ها انطباق و سازگاری داشته باشد؛ «عنه علیه السلام : وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا ؛ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعْدُ بَكْرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمِعُهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَيْرِهِ؛



(نهج البلاغه، نامه ۳۱) امام علی علیه السلام: به زن کاری را که از حدّ و توان او فراتر است، مسپار؛ زیرا زن گُل است نه پیشکار و در گرامیداشت او پا از حدّ فراتر مگذار و کاری مکن که به میانجی کردن از کسی طمع کند. اشاره به اینکه زنان به علت داشتن جنبه های عاطفی و لطافت روحی نمی توانند عهده دار امور خشن شوند و مدیریت های سخت را بر عهده گیرند، بنابراین آنها در محدوده امور مربوط به خویش باید فعالیت کنند نه امور مربوط به دیگران مخصوصاً پست های حساس و سنگین. علتی را که امام علیه السلام برای این دستور بیان فرموده، علت بسیار حساب شده ای است که با ساختمان روح و جسم زنان سازگار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ ش، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۳۱)

با توجه به این توضیحات، زنان می توانند متناسب با استعداد، توانایی و ویژگی ها در جامعه شغل انتخاب کنند و به فعالیت بپردازند، همانطور که برخی شغل های دیگری وجود دارد که متناسب با ویژگی ها و توانمندی های مرد بوده است و به زنان توصیه نمی شود. البته در بحث شغل زنان و مردان و تناسب کار با ویژگی های آن ها، استثنا های در جامعه وجود دارد.

۴-۱۱. پایداری و استقامت در کار

در بخشی از خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه، تشویق به عمل شده است: « الْعَمَلُ الْعَمَلُ ، ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ ، وَ الْاِسْتِقَامَةُ الْاِسْتِقَامَةُ ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ ، وَ الْوَرَعَ الْوَرَعَ ، اِنَّ لَكُمْ نِهْيَةً فَانْتَهَوْا اِلَى نِهْيَتِكُمْ ؛ به جد، عمل کنید و حتما آن را به پایانش رسانید و در آن پایداری کنید، آن گاه سخت شکیبایی ورزید و به راستی پارسا باشید. همانا شما را پایانی است؛ پس، خود را به آن پایان (بهشت) رسانید.» در عبارت «العمل العمل» معنای «تشویق کردن» است. امیرالمؤمنین علیه السلام انسان را به استفاده از فرصت ها تشویق می کند و او را به مسیر «عمل» سوق می دهد، چون این دنیا محل عمل و جهان آخرت، محل حسابرسی است و استقامت و پایداری در کارها و به پایان رساندن آن شرط رسیدن به هدف های متعالی است.

امام علیه السلام در جای دیگر می فرمایند: « قَلِيلٌ مَدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ ؛ (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۶) کار اندکی که دوام داشته باشد بهتر است از کار بسیار که خستگی بیاورد.»

این دستور از اموری است که شایسته است تا به کار گیرند. و برآستی چنین است، زیرا دوام بر کار اندک باعث ملکه شدن طاعت و خیر برای نفس و به صورت خوبی برای آن در آمدن است، به خلاف کار بسیار و خستگی آور. (بحرانی، ۱۴۱۷ق، شرح ابن میثم، ج ۵، ص ۷۶۹)

۴-۱۲. تقسیم کار و مسئولیت پذیری

یکی از مبانی و اصول کار و اشتغال، بحث تقسیم کار است که از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. در جامعه کارهای متعددی وجود دارد که برخی کار بدنی است مانند کشاورزی و کارگری و برخی فکری است مانند معلمی و نویسندگی و برخی احساسی است مانند پرستاری و مددکاری. برای اجرایی شدن این شغل‌ها به نحو صحیح و اصولی نیازمند تقسیم کار براساس توانمندی‌ها، استعداد و علایق افراد هستیم.

از سویی در جامعه طبقات، اقشار و شغل‌های متعدد وجود دارد که بر اساس نیازها و احتیاجات مختلف، با هم همکاری و تعاون دارند و ارتباط مستقیم با تقسیم کار داشته و امام علی علیه السلام نیز در نامه ۵۳ نهج البلاغه به آن توجه نموده و در این مورد می‌فرماید: « ارتش به اذن خداوند دژ مردم، و زینت حاکمان، و ارجمندی دین، و راه‌های امنیت اند، که مردم بدون آنان برپای نمانند. سپس نظام ارتش جز با مالیاتی که خداوند برای آنان قرار داده استوار نگردد، مالیاتی که به وسیله آن در جنگ با دشمن توانا می‌شوند، و برای اصلاح زندگی خود به آن تکیه می‌نمایند، و مایه رفع نیازمندی‌های آنان است. سپس کار ارتش و مالیات دهندگان استوار نگردد جز با گروه سوم که عبارتند از قضا و کارگزاران حکومت و منشیان حسابگر که قراردادهای محکم می‌کنند، و آنچه را به سود رعیت است جمع می‌نمایند، و در امور خصوصی و عمومی بر آنان اعتماد می‌شود و کار اینان نیز به سامان نشود جز با تاجران و صنعتگران که آنچه برای مردم سودمند است فراهم می‌آورند، و بازارها را به آن برپا می‌دارند، و به کارهایی که به نفع مردم است دست می‌زنند، کارهایی که از غیر ایشان ساخته نیست. سپس جمع نیازمند و از کار افتاده است که احسان و یاری ایشان لازم است. و برای هر کدام از این گروه‌ها نزد خداوند گشایشی است، و برای هر یک از این طبقات به مقداری که امور آنان را اصلاح نماید بر عهده والی حقی است، و والی از ادای آنچه خداوند بر عهده او قرار داده بر نیاید جز با کوشش و یاری خواستن از خداوند، و مهیا نمودن خود بر به کارگیری حق و استقامت بر آن. چه اینکه بر او آسان باشد یا سخت. »



امام علی علیه السلام نیز در موقعیت های مختلف ضمن توصیه به کار و تلاش، موضوع تقسیم کار و راهبردهای اجرایی شدن آن را به تفصیل بیان کرده و حتی مواردی در منابع اسلامی ذکر شده، که حکایت از عملکرد صحیح و سنجیده‌ی امام علیه السلام در بحث تقسیم کار دارد؛ امام علی علیه السلام طی نامه‌ای به حضرت امام حسن علیه السلام می‌فرماید: « وَاجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ، فَإِنَّهُ آخِرَى الْأَيَّامِ كَلُوا فِي خِدْمَتِكَ؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) امام علی علیه السلام فرمود: مسئولیت هر يك از زیردستان خود را مشخص نما و بعد بازخواست کن، که این بهتر است برای اینکه هر يك مسئولیت را به گردن دیگری نیندازد.»

تقسیم کار از مهم ترین اصول مدیریت است و هنگامی که کارها و مسئولیت ها تقسیم شود، هر کسی می داند در برابر کار خود مسئول است و در انجام آن سعی و تلاش می کند. از دیدگاه امام علی علیه السلام برای حیات و استمرار و ثبات جامعه، لازم است که هر فرد متناسب با استعداد و توانایی و مهارت خویش به کاری مشغول باشد، اما پرداختن به کارهای متعدد و گاه فراتر از حد توان منجر به شکست و حتی ناامیدی خواهد شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: « وَمَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ، خَذَلْتَهُ الْوَحِيلُ. (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۳) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که به کارهای گوناگون پردازد، خوار شده، پیروز نمی گردد. »

افراد زیادی را در جامعه می بینیم که قانع به يك یا چند شغل نیستند و حتی گاهی شغل های متضاد و مختلف برای خود انتخاب می کنند و با این که از استعداد خوبی برخوردارند و گاه ممکن است جزء نخبه ها و نابغه ها باشند باز می بینیم به موفقیت چشمگیری نائل نمی شوند. دلیل آن روشن است؛ هر کاری تدبیر خاص خودش را می طلبد و کارهای مختلف تدبیرهای مختلفی را طلب می کند و جمع کردن بین تدبیرهای متضاد، کار بسیار مشکلی است به همین دلیل افرادی را می بینیم که تمام هم خود را مصروف به يك فن می کنند و توفیقات زیادی به دست می آورند ولی افرادی که چندین فن مختلف و گاه متضاد را بر عهده می گیرند غالباً همه را ناقص می گذارند و یا نتیجه مهم و چشمگیری به دست نمی آورند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ ش، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام)

۴-۱۳. کار و تقسیم اوقات

امام علی علیه السلام در بخشی از عهدنامه خود با مالک اشتر چند دستور مهم درباره تقسیم کارها و تقسیم اوقات روزانه می دهد؛ بخشی از کارهای توست که باید شخصاً به آن ها بپردازی، این معنای



مدیریت صحیح و اثربخش است که کارهای کلیدی و اموری که از دست دیگران ساخته نیست رسماً به دست رئیس حکومت باشد و لحظه ای از آن غافل نشود؛ اموری که اگر انسجام یابد تمام بخش‌های حکومت در مسیر صحیح خود قرار خواهد گرفت. سپس می‌افزاید: «و دیگر، برآوردن نیازهای مردم است در همان روز که حاجات و نیازهای آنها به تو گزارش می‌شود و معاونان تو در پاسخ به آن مشکل دارند» آن‌گاه دستور دیگری می‌دهد؛ دستوری که از نظر مدیریت خرد و کلان فوق‌العاده اهمیت دارد. می‌فرماید: «وَأَمُضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَّا فِيهِ؛ (نهج البلاغه ، نامه ۵۳) (به هوش باش) کار هر روز را در همان روز انجام بده (و به فردا می‌فکن) زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد (و اگر کار روز دیگر بر آن افزوده شود مشکل آفرین خواهد بود)؛ این گفته منطقی و روشن است که هر روز مشکلات خاص خود را دارد و اگر کار امروز به فردا موکول شود، بطور طبیعی کارها و مشکلات روز بعد هم به آن اضافه می‌شود و به مرور اگر این کم‌کاری و بی‌نظمی ادامه پیدا کند، فرد سردرگم و مستاصل می‌شود و با انبوهی از کارها و مشکلات مواجه می‌شود، اما اگر برنامه ریزی داشته باشد و زمان را تقسیم کرده و منظم و بر اساس برنامه عمل کند، با آرامش به کارهای روزانه می‌پردازد و حتماً نتیجه بهتر و کاملتری خواهد گرفت.

۴-۱۴. کار و تولید

بر اساس آن چه در قرآن، عهدین و کتاب‌های تاریخی آمده است، بیشتر پیامبران به کارهایی چون: کشاورزی، زره‌سازی، نجاری و تجارت و... اشتغال داشته‌اند. حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام به دست خویش، خانه کعبه را بنا نهادند. حضرت نوح علیه‌السلام کشتی ساخت. حضرت موسی علیه‌السلام چوپانی کرد. حضرت عیسی علیه‌السلام طبابت می‌کرد، حضرت داود علیه‌السلام زره می‌ساخت و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به چوپانی و تجارت می‌پرداخت.

در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِيبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ (سوره سبأ، آیات ۱۰ و ۱۱) و ما حظاً و بهره داود را به فضل و کرم خود کاملاً افزودیم (و امر کردیم که) ای کوهها و ای مرغان شما نیز با (تسبیح و نغمه الهی) داود هم آهنگ شوید، و آهن سخت را (چون موم) بر دست او نرم گردانیدیم. ﴿١١﴾ (و به او دستور دادیم) که از آهن زره فراخ و گشاد بساز و حلقه زره به اندازه

و یک شکل گردان و خود با قومت همه نیکوکار باشید که من کاملاً به هر چه کنید بینایم. « امام علی علیه السلام می فرمایند: « خداوند عزوجل به داود وحی نمود که تو چه بنده‌ی خوبی هستی اگر از بیت المال نخوری و با دست خود کار کنی (و مشغول کاری شوی و از درآمد آن مصرف کنی). حضرت داود علیه السلام به این خاطر، چهل روز گریست و خداوند به آهن وحی نمود که برای بندهام داود نرم شو. پس خداوند عزوجل آهن را برای داود نرم گردانید و او هر روز زرهی می ساخت و آن را به قیمت هزار درهم می فروخت. در نهایت سیصدوشصت زره ساخت و آن‌ها را به قیمت سیصدوشصت هزار درهم فروخت و از روزی خوردن از بیت المال بی نیاز شد». (کلینی، ۱۳۶۵ ش، الکافی، ج ۵، ص ۷۴)

همچنین امام علی علیه السلام در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه فرمودند: «داود علیه السلام: وَإِنْ شِئْتَ تَلَثُّثُ بِدَاوُدَ صَاحِبِ الْمَرَامِيرِ وَقَارِئِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ وَيَقُولُ لِيَجْلَسَائِهِ أَتَيْكُمْ يَكْنِينِي بَيْنَهَا وَيَأْكُلُ قُرْصَ الشَّعِيرِ مِنْ ثَمَنِهَا؛ حضرت داود (ع) صاحب نی های نوازنده، و خواننده بهشتیان را الگوی خویش سازی، که با هنر دستان خود از لیف خرما زنبیل می بافت، و از همنشینان خود می پرسید چه کسی از شما این زنبیل را می فروشد و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می کرد.»

۵. نتیجه

با استناد به فرمایش حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، راهبردهای و برنامه های اساسی بدست آمده از آن، در جهت ارتقای فرهنگ کار و اشتغال عبارتند از؛ داشتن ایمان و یقین بر کار تاثیر می گذارد و ارزش کار به درستکاری است؛ از طرفی کار و تلاش ایمان را صیقل می دهد، به این معنا که اهمیت کار آن چنان بالاست که در کنار ایمان مطرح می شود. بنابراین باید به توسعه و ارتقای فرهنگ کار توجه بیشتری شود.

کار سبب جذب پاداش الهی و جلب رزق، روزی و ثروت می شود و فقر را دفع می کند؛ خداوند برای همه‌ی انسان ها رزق و روزی معین کرده و کار و تلاش یکی از راه های جلب این رزق و روزی است و همچنین اگر در جهت رضای الهی و خدمت به بشر انجام شود، سبب جذب پاداش الهی نیز خواهد شد. ثروت، اگر از روش صحیح و اصولی بدست آید و در جهت رضای الهی مصرف شود،



ارزشمند است و در مقابل، فقر مورد نکوهش قرار گرفته است. روایات نیز فقر را معلول ناتوانی و تنبلی دانسته‌اند.

به کارگیری عقل، دانش و آگاهی در کار ضروری است همان طور که باید از سستی و تکدی‌گری پرهیز کرد؛ اولویت در کار به بهره‌گیری از نیروی فکر و اندیشه است و انسان نباید بدون آگاهی وارد عرصه‌ی کار شود، چرا که به شکست منجر می‌شود. از طرفی سستی و بیکاری، برای زندگی بشر آفت جدی است و پیامد آن فقر، فساد، ناامیدی، افسردگی و ... است.

شغل باید بر اساس اختیار و علاقه انتخاب شود، تا منجر به شکوفایی استعداد و تولید و ابتکار شود. حتی نباید در کاری سودمند، مردم را اجبار کرد. کارها و شغل‌های اجباری سبب تقلیل ارزش انسانی افراد می‌شود و از شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها جلوگیری می‌کند.

تقسیم کار و مسئولیت‌پذیری، در کنار تقسیم اوقات و نظم شرط موفقیت است؛ تقسیم کار نقش مؤثر در استمرار، بقا و تعادل جامعه دارد. تقسیم کار در رشد استعدادها و توانایی‌ها و رفع نیازهای فردی و اجتماعی نقش مؤثر دارد. آثار تقسیم کار عبارت است از: تامین احتیاجات و نیازهای زندگی فردی و اجتماعی، هموار شدن زمینه‌های موفقیت و شکوفایی فردی و اجتماعی، کاستن از اتلاف زمان و منابع.

کار باید با ویژگی‌های افراد تناسب داشته باشد؛ کار، باید متناسب با روحیات، توانایی‌ها و علایق افراد باشد تا زمینه‌ی ابتکار، خلاقیت، نوآوری، رشد و پیشرفت فرد و جامعه فراهم شود و از همه مهمتر آفتی مثل بیکاری و آسیب‌ها و پیامدهای شوم آن در جامعه نباشد و به رشد شخصیت منجر شود. کار باید متناسب با طبیعت متفاوت زنان و مردان انتخاب و انجام شود.

پایداری و استقامت در کار شرط اساسی است و برای نتیجه گرفتن از کار و تلاش باید تداوم وجود داشته باشد و انسان نباید با وجود سختی‌ها و مشکلات، از کار و فعالیت دست بکشد.

در اندیشه و سیره‌ی حضرت علی علیه السلام کار و تلاش از مباحث مهم محسوب می‌شود و ایشان در طول عمر خویش علاوه بر حمایت از اسلام و امامت به کارهای زراعت و باغبانی می‌پرداخت و درآمد آن را صرف امور مسلمانان به ویژه محرومان و یتیمان می‌کرد. یکی از وجوه تمایز و برتری برخی انسان‌ها بر بعضی دیگر، کار و تلاش است؛ زیرا کارها آثار دنیوی و اخروی به همراه دارد و سبب رشد، تکامل و تعالی انسان می‌شود؛ رشد، تکامل و تعالی هدف اصلی خلق بشر است.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ۱۳۸۳ش، *غرر الحکم و درر الکلم*، مترجم: محسن موسوی، قم: دارالحديث.
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحمید، *شرح نهج البلاغه*، جلد ۱۷، قم: مكتبة آية الله العظمى مرعشى نجفی قمی.
۳. بحرانی، ابن میثم، ۱۴۱۷ق، *شرح نهج البلاغه*، مترجم: محمدی مقدم و نوابی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۴. برقی قمی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۹ش، *جلوهی حق در سیرت مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیهما السلام*، تهران: حافظ.
۵. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۲ش، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: الدارالشامیة، بیروت: دارالعلم.
۷. عسکری، ابو هلال، ۱۴۱۲ق، *الفروع اللغات*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، *الکافی*، جلد ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۹. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دار الحديث.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، جلد ۴۰، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۵ش، *کیمیای محبت*، قم: دارالحديث.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۱ش، *منتخب میزان الحکمة*، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۴ش، *میزان الحکمة*، جلد ۱۱، قم: دارالحديث.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹ش، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
۱۵. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، *فرهنگ معین*، تهران: زرین.



۱۶. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، "الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد"، جلد ۱، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، "الاختصاص"، قم، انتشارات المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۳ش، "پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام شرح تازہ و جامعی بر نهج البلاغه"، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. نوری، حسین بن محمدتقی، "مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل"، ج ۱۳، قم: آل البيت علیهم السلام.
۲۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، "تاریخ الیعقوبی"، بیروت: دار صادر.